

میزان رضایت زناشویی زوجین دارای تطابق از نظر هیجان خواهی

جعفر چپانه^{۱*}، فیروزه سپهریان^۲، ناصر تراب زاده^۳، سعید اسدنیآ^۴، محمدرسول مفسری^۳

^۱کارشناسی ارشد روان‌شناسی xaxat80@yahoo.com

^۲عضو هیئت علمی دانشگاه ارومیه

^۳کارشناسی ارشد روان‌شناسی

چکیده

رضایت زناشویی حالتی است که طی آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و با هم بودن احساس شادمانی و رضایت دارند رضایت زناشویی انطباق بین وضعیت موجود و وضعیت مورد انتظار است. جامعه آماری تحقیق را خانواده‌های شهرستان اشنویه تشکیل داده اند که از بین آنها تعدادی زوج به عنوان نمونه انتخاب شدند. نمونه گیری در سه مرحله صورت پذیرفت که مرحله اول به صورت خوشه ای، مرحله دوم به صورت تصادفی ساده و مرحله سوم به صورت نمونه در دسترس استفاده شد. نمونه آماری به دو گروه زوجین هر دو هیجان خواه، هر دو غیر هیجان خواه، تقسیم شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش مقیاس هیجان خواهی فرم پنجم ماروین زاگرمین، پرسشنامه رضایت زناشویی اتریچ و پرسشنامه جمعیت شناختی بودند. نتایج پژوهش نشان داد که در هر دو گروه ذکر شده به طور معناداری مردان رضایت زناشویی بیشتری نسبت به زنان داشتند. به این معنا که زوجینی که هر دو هیجان خواه بودند، نسبت به زوجینی که هر دو غیر هیجان خواهند، رضایت زناشویی کمتری داشتند و زوجینی که هر دو هیجان خواهند، از رضایت زناشویی مشابهی نسبت به زوجینی که مرد هیجان خواه است، برخوردار بودند. زوجینی که هر دو غیر هیجان خواهند، از رضایت زناشویی بیشتری نسبت به زوجینی که مرد هیجان خواه است، برخوردار بودند. زوجینی که هر دو غیر هیجان خواهند، از رضایت زناشویی بیشتری نسبت به زوجینی که مرد هیجان خواه است، برخوردار بودند.

کلید واژه‌ها: رضایت زناشویی؛ هیجان خواه؛ غیر هیجان خواه

مقدمه

رضایت به صورت صفتی تعریف شده است که ویژگی آن، جستجوی هیجان و تجربه متنوع، تازه، پیچیده و جدید و میل پرداختن به خطرهای بدنی، اجتماعی و مالی به خاطر خود این تجربه‌ها است (کرولا، ۱۹۹۱). میشل (۱۹۹۲) عقیده دارد، تفاوت‌های زیاد در میزان هیجان خواهی اشخاص، می تواند مشکلات ارتباطی میان زوجین، درمانگر و مراجعه کننده و والدین و فرزندان آنان را ایجاد کند. به اعتقاد زاگرمین (۱۹۹۶) ویژگی شخصیتی هیجان خواهی در طبقات مختلف اجتماعی- اقتصادی قابل مشاهده است. بر این اساس اشخاص هیجان خواه در طبقات پایین اجتماعی- اقتصادی از آنجا که قادر نیستند به تجارب ماجراجویانه قابل قبولی از نظر اجتماع دست یابند (مثلاً سقوط آزاد با چتر نجات یا شرکت در مسابقات اتومبیل رانی ...) در نتیجه برای ارتکاب اعمال بزهکارانه و سوء مصرف مواد تمایل زیادی را از خود نشان می دهند چنین افرادی، تحریک بیرونی مداوم مغز را ترجیح می دهند، از کارهای تکراری کسل می شوند و همواره در جستجوی راه‌هایی برای افزایش دادن انگیزگی از طریق تجربیات هیجان انگیز هستند.

مرادی و دژکام (۱۳۷۶) به نقل از درمیانی طباطبایی (۱۳۸۲)، به مطالعه ای تحت عنوان ارتباط بین هیجان خواهی و میزان سازگاری زناشویی پرداختند و نتایج نشان داد که بین سازگاری زناشویی و هیجان خواهی ارتباط وجود دارد و هیجان خواهی زوج‌های سازگار از زوج‌های ناسازگار کمتر بود، عدم تجانس در هیجان خواهی تأثیر منفی در رضایت زناشویی داشت. بارن و برن (۱۹۹۷)، عنوان کردند که یکی از موضوعات مورد علاقه در بحث رضایت زناشویی مشابه بودن ویژگی‌های جمعیت شناختی و زمینه ای است. اکثر مطالعات نتیجه

گرفته اند که اشخاص تمایل دارند که با شخص مشابه خود ازدواج کنند و هنگامی که همسران با هم مشابه هستند رضایت مندی بیشتری دارند. در مطالعاتی که فیشر و همکاران (۱۹۸۱) انجام گرفت، چنین اشاره کردند که شباهت‌های شریک جنسی در هیجان خواهی حتی ممکن است که مهمترین فاکتور در کیفیت ازدواج باشد. در تحقیقی که گیسون، فرانکن و رولند بر روی هفتاد و دو زوج انجام دادند، نتایج این گونه نشان داد که اگر زن یا شوهر، نمره بسیار بالایی در مقیاس هیجان خواهی داشته باشد و همسر، نمره بسیار پایینی، احتمال عدم توافق در زندگی زناشویی افزایش می یابد (اتکینسون و همکاران، ترجمه براهنی و همکاران، ۱۳۸۲).

در زندگی زناشویی، همبستگی معنادار بین نمره‌های شوهران و زنان آنها در مقیاس هیجان خواهی، مؤید این نظر است که طالبان هیجان بیشتر، معمولاً با افرادی که هیجان خواهی بیشتری دارند و طالبان هیجان کمتر، معمولاً با افراد مشابه خود ازدواج می کنند، همگونی زن و مرد، از لحاظ این خصلت، می تواند میزان سازگاری در زناشویی را پیش بینی کند (فیشر، زاگرم، نیب ۱۹۸۱؛ به نقل از براهنی و همکاران، ۱۳۷۳).

روش

شرکت کنندگان و طرح پژوهش

جامعه آماری این پژوهش را، خانواده‌های شهر اشنویه تشکیل می دهند، که به روش نمونه گیری طبقه ای و تصادفی ساده به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش کار به این صورت بود که در چندین مرحله، نمونه گیری‌های ۲۰۰ نفری (۱۰۰ زوج)، انجام پذیرفت تا بر اساس آن دو گروه مساوی از زوجین که هر دو هیجان خواه، هر دو غیر هیجان خواه، حاصل شود. در این پژوهش حجم نمونه مؤثر روی پرسشنامه‌های رضایت زناشویی و هیجان خواهی، ۴۰۰ نفر = n ، یعنی (۲۰۰ زوج)، برآورد شد.

طرح این پژوهش از نوع طرح‌های مبتنی بر اطلاعات قبلی یا پس رویدادی است که از جمله این طرح‌ها، طرح گروه ملاک است.

ابزار

مقیاس هیجان خواهی فرم پنجم زاگرم: به منظور جمع آوری اطلاعات در مورد هیجان خواهی شرکت‌ها از مقیاس هیجان خواهی زاگرم استفاده شد. قابلیت درونی این آزمون در ایران برای گروه مردان ۰/۷۸ و برای زنان ۰/۷۹ و برای گروه مردان و زنان ۰/۷۹ به دست آمده است.

پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ: در این پژوهش، از فرم ۴۷ سؤالی پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ، استفاده شده است. ضریب آلفای فرم ۴۸ سؤالی پرسشنامه در پژوهش میرخشتی، ۰/۹۲ و در فرم ۴۷ سؤالی پژوهش سلیمانیان، ۰/۹۵ بدست آمده است.

شیوه اجرا

نمونه گیری در سه مرحله صورت پذیرفت که مرحله اول به صورت خوشه ای، مرحله دوم به صورت تصادفی ساده و مرحله سوم به صورت نمونه در دسترس استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل آماری از ضریب رگرسیون، آزمون t مستقل و تحلیل کوواریانس استفاده گردید.

نتایج

در این جدول درباره تحلیل واریانس مقایسه میانگین نمرات رضایت زناشویی زوجین مطرح شده و پس از آن نتایج مقایسه‌های زوجی ارائه گردیده اند.

جدول ۱. میانگین و انحرافات نمرات رضایت زناشویی زن، مرد و هر دو زوج به تفکیک گروه‌ها

متغیرها	گروه‌ها	میانگین	خطای استاندارد
رضایت زناشویی زن	هر دو زوج هیجان خواه	۱۶۵/۵۴	۳/۰۲
	هر دو غیر هیجان خواه	۱۷۸/۴۶	۲/۷۶
رضایت زناشویی مرد	هر دو زوج هیجان خواه	۱۷۶/۰۱	۲/۵۹
	هر دو غیر هیجان خواه	۱۸۷/۹۴	۲/۳۶
رضایت زناشویی زن و مرد به طور کلی	هر دو زوج هیجان خواه	۱۷۰/۷۲	۲/۵۹
	هر دو غیر هیجان خواه	۱۸۳/۲۲	۲/۳۶

نتایج جدول ۱ نشانگر آن است که بیشترین رضایت مربوط به زوجینی است که هر دو غیر هیجان خواه می‌باشد. نتایج تحلیل واریانس درباره مقایسه میانگین نمرات رضایت زناشویی بین گروه‌ها (زوجین هر دو هیجان خواه، هر دو غیر هیجان خواه، زن هیجان خواه، مرد هیجان خواه) در جدول ۲، داده‌ها حاکی از آن هستند که ضریب F معادل ۱۴/۹۰ و از نظر آماری تفاوت بین گروه‌ها معنادار بوده است ($p < ۰/۰۱$). معنی این یافته آن است که گروه‌های تحقیق از نظر آماری دارای تفاوت‌های معنی داری بوده‌اند.

بحث

یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های میشل (۱۹۹۲) که عنوان می‌کنند بین هیجان خواهی و رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد، مرادی و دژکام (۱۳۷۶) به نقل از درمیانی طباطبایی (۱۳۸۲)، که بیان می‌کنند عدم تجانس در هیجان خواهی تأثیر منفی در رضایت زناشویی دارد و همچنین یافته‌های فیشر، زاگرن، نیب (۱۹۸۱) همسو است.

بنابراین، این گونه می‌توان استنباط کرد که هیجان خواهی بر رضایت زناشویی تأثیر منفی می‌گذارد. همچنان که در یافته‌های این پژوهش و پژوهش‌های دیگر، چنین بدست آمده است که هر چه میزان هیجان خواهی زوجین کمتر باشد، میزان رضایت زناشویی آنها بیشتر است. برای توضیح یک چنین یافته ای می‌توان گفت که شولتز (۱۹۹۰) بیان می‌دارد که افراد هیجان خواه تنوع بیشتر فعالیت‌های دگر خواهی جنسی را گزارش می‌دهند. به عبارت دیگر، این افراد بعضاً تمایل به تجربه رابطه جنسی با فرد دیگری غیر از همسر خود تمایل دارند و این مسئله می‌تواند میزان رضایت زناشویی را تحت تأثیر خود قرار دهد.

ضمن اینکه افراد هیجان خواه به واسطه ویژگی‌های در برگیرنده آن، تمایل زیادی برای ارضاء خواسته‌های خود دارند و بدین ترتیب، مدت زمان بیشتری را نسبت به افراد غیرهیجان خواه در محیط خارج از خانواده خود می‌گذرانند و این مسئله نیز بر رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارد.

دلیل دیگر این است که زوجین هیجان خواه به واسطه این که علایق و سلیق متفاوتی دارند و از شیوه‌ها و راه‌های متفاوتی برای ارضاء آنها استفاده می‌کنند و ممکن است بدین واسطه از زوجین غیر هیجان خواه یکدیگر را در محیط خانوادگی کمتر ببینند، از رضایت زناشویی کمتری نیز برخوردارند.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های بارن و برن (۱۹۹۷)، فیشر و همکاران (۱۹۸۱) و همان گونه که اتکینسون و همکاران (۱۳۸۲) به نتایج تحقیقات گیبسون، فرانکن و رولند اشاره کرده‌اند که عنوان می‌کنند هنگامی که همسران با هم مشابه هستند رضایت مندی زناشویی بیشتری دارند، همسو است.

با توجه به محدودیت زمانی پژوهش، چشم پوشی از نقش دیگر مؤلفه‌های شخصیت مانند حساسیت هیجانی، پایداری هیجانی، تنش عصبی و ... در تحکیم روابط زناشویی، یکی از محدودیت‌های این پژوهش به شمار می‌آید. لذا پیشنهاد می‌شود که مطالعات بیشتری در

این زمینه و بر اساس دیگر ویژگی‌های شخصیتی زوجین صورت پذیرد تا از این طریق بتوان راهکارهای پیشگیرانه ای را برای مشکل طلاق پیدا کرد.

منابع

اتکینسون، ریتا. ال؛ اتکینسون، ریچارد. س. و هیلگارد، ارنست. ر. (۱۳۸۲). *زمینه روان‌شناسی هیلگارد*. ترجمه محمدتقی براهنی و همکاران. تهران: رشد.

اتکینسون، ریتا. ال؛ اتکینسون، ریچارد. س. و هیلگارد، ارنست. ر. (۱۹۸۶). *زمینه روان‌شناسی هیلگارد*. ترجمه محمدتقی براهنی و همکاران. (۱۳۷۳). تهران: رشد.

درمیانی طباطبائی، هاله. (۱۳۸۲). *رابطه هوش هیجانی با سبک زندگی و رضایت زناشویی در زوجین شهرستان خوانسار*. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی عمومی، منتشر نشده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

Aaron T. G. (2009). Personality, Marital Satisfaction, and Probability of Marital Infidelity. *Florida Atlantic University*, 87-97.

Baren, G., & Byrne. F. (1997). The timeiny of remarriaye amovng Women who have a faihed marital reconcihationin the marriage. *Rehabilitation Counseling Bulletin*, 38, 154-163.

Brudbury, T. N., & Kaarney, B. R. (2005). Understanding and altering the longitudinal course of marriage. *Journal of Marriage and the family*, 66,, 862-879.

Corulla, W. (1991). *Psychometric inversitigation of the sensation seeking scale form (V) and relationship to the EPQ – R. Personality differences*, 9, 277-287.

Golestani, E., & Manzeri Tavakoli, A. M, & Manzeri Tavakoli, H. (2012). Relationship of Personality Traits with Marital satisfaction in Women. *Department of Women Studies, Islamic Azad University, Baft Branch, Iran*.

Ficher, I. V., Zuckerman, M., & Neeb. M. (1981). Marital Compatibility in sensation seeking traits as a factor in marital adjustment. sex and marital therapy. *Journal of Personality and differences*, 11, 385-401.

Mitchell (1992). Early Predictors of male delinquency. *Psychological Bulletin*, 68-99.

Zukerman, M. (1996). Item revisions in the sensation seeking Scale. *Journal of Personality and differences*. Apr, 20, 515-528.